

## (( ذوالقرنین در قرآن کیست ؟ ))

### پیشگروئی اشعیا و ارمیا

در تورات پیشگروئیهای دیگری در دو سفر در موضوع کوروش وجود دارد در سفر اشعیا نبی بعینه لفظ کوروش را می بینیم که بجزری خوروش نوشته است. کتاب اشعیا . ۱۶ سال پیش از کوروش و کتاب یرمیا . ۶۰ سال پیش از وی تالیف شده است و در کتاب عزرا تفصیل کاملی در این معنی می یابیم. در کتاب اشعیا نبی از ویران شدن اورشلیم بدست بابلیها خبر میدهد آنگاه بشارت تجدید آبادانی آنرا اعلام میدارد و در این خصوص خوروش را کوروش را نام میبرد و میگوید : « رهاننده تو، خداوندی که ترا در رحم مصور ساخت چنین میفرماید که کوروش شبان من است و تمامی مشتیم را با تمام خواهد رسانید با اورشلیم خواهد گفت که بنا کرده خواهد شد. به هیکل که اساست مبتنی خواهد شد فصل ۴۴- آیه ۳۴-۳۸ سفر اشعیا » خداوند در حق مسیح خود کوروش چنین میفرماید: چونکه من او را بقصد اینکه طوایف در حضورش مفلوب شوند بدست راستش گرفتم پس گمراه ملوک را حل کرده که دروازهها بسته نگردند من در پیشاپیش رفته بشتهها را هوار میسازم و درهای برنجین را شکسته خزینه های ظلمت و دینیه های متوربتو میدهم تا بدانی منکه ترا باسمت میخوانم خداوند و خدای اسرائیل (فصل ۴۵- آیه ۱-۲-۳ سفر اشعیا ) اشعیا در جای دیگری کوروش را بعقاب شرق تشبیه کرده و فرموده است تدبیر من اثبات خواهد شد و تمام مشیت خود را بجا خواهم آورد مرغ درنده از شرق و مرد تدبیر مرا از مکان بعید میخوانم فصل ۴۵ - آیه ۱۰-۱۱ ) و هم در کتاب یرمیا نبی میخوانیم ( ! در میان طوایف بیان کرده بشنوانید و بگوئید و اخفا نکنید که بابل مسخر شد - بیل شرمنده - مرودك شکسته زیرا که بر او از طرف شمال قومی برمیآید که زمینش بحدی ویران میگردداند که احدی در آن ساکن نخواهد ماند سفر ارمیا فصل ۵۰- آیه ۱ )

### اشعیا دوم و دعوت کوروش

روایت عهد عتیق و اخبار مورخان یونان اجتماع دارند بر اینکه مردم بابل از ستمگری پادشاه خود بیل شازار بغض آمدند آنگاه مشاوره کردند و همرای

شدند که شاهنشاه ایران کوروش هخامنشی را برای استیلای بابل دعوت کنند آنان از رفتار نیک این پادشاه با اهل لپدی پس از غلبه وی بر کشور آنان آگاه بودند و چنان رفتاری را از آن شاهنشاه برای خود آرزو میکردند مورخان یونان گفتند یکی از والیان بابل گبیریاس بکاخ کوروش گریخته و ویرا در آمدن بیابلی همراهی کرد

### تخیل ملی یهود

از آنچه از یسعیاہ نبی میآوریم این امر آشکار شد که شخصیت پادشاه کوروش در نظر یهود مانند نجات دهنده موعودی است که خدای او را برای آزاء کردن یهود از اسارت بابل و تجدید عمارت اورشایم فرستاده است پس خدای گفته است آن خوروش راعلی این سنخ تعقل همان است که سر انجام بصورت یکمقیده ملی درآمده است و آمدن مسیح موعود را پدید آورده است اینست که کتاب یسعیاہ حتی کوروش را بصورت مسیح تصور میکند بانص صریح کامل در شان وی میگوید ان الہ یقول فی حق خوروش مسیحہ .

### آگاهی بر مجسمه سنگی کوروش

بنا بر مطالب بالا پس از کشف مجسمه کوروش دیگر برای دانشمندان شکی باقی نماند که ذوالقرنین در قرآن همان کوروش بزرگ است زیرا آنچه از تاریخ یونان و گفته‌های پیغمبران بنی اسرائیل و علم‌الانار ( باستانشناسی ) مستفاد میشود نمیتوان جز کوروش بر کس دیگر آنها را برابر کرد. مجسمه سنگی کوروش را ایستاده در جایگاهی دور از پایتخت قدیم ایران استخر، نزدیک رود مرغاب یافته‌اند جیمس هوریه انگلیسی اولین کسیست که از وجود مجسمه خبر داد پس از سالها سر رابرت پورتر انگلیسی بمحل مجسمه رفته و آنرا مورد تفحص قرار داد و صورتی بامداد ترسیم کرد این رسم در کتاب سیاحت وی بایران و گرجستان بطبع رسیده است سپس آلفسوفارستر بسال ۱۸۵۱ در مجلد کتاب خود در باره مجسمه سخن رانده و بدان برنصوص تورات استدلال کرده است تا این زمان هنوز خواندن خط میخی کشف نشده بود ولی فقط ثابت شده بود که مجسمه از سیروس یعنی کوروش است نه دیگری، سپس نویسنده فرانسوی دیولافوا کتاب خود را در باره آثار قدیم ایران تالیف کرد و صورتی از مجسمه که عکس برداری شده بود در آن کتاب منتشر کرد. مجسمه مزبور بیالای انسانی است و بر دو جانب وی دو بال مانند دو بال عقاب و بر سرش دو شاخ مانند دوشاخ قوچ است دست راست وی دراز شده و بدان بسوی پیشاپیش اشاره میکند و جامه وی عینا همان جامه معمرل است که در تصاویر شاهان بابل و ایران می بینیم این مجسمه بی شبهه ثابت میکند که تصور



ذوالقرنین در باره کوروش و پس پدید آمده است در روای دانیال آمده است که قوچی را که دیده است دو شاخ بر سرش بوده ولی مانند دیگر قوچها نیست بلکه یکی از دو شاخ پشت دیگری بوده است همچنین نیز دو شاخ را در مجسمه می بینیم اما وجود دو بال با آنچه در سفر شعیب آمده است مطابقت میکند و بسبب این بالها مجسمه برغ شهرت یافته ونهری که در پائین است بمرغاب نامیده شده است

### تطبیق قرآن با زندگی کوروش

حتی اذا بلغ مغرب الشمس - حتی اذا بلغ مطلع الشمس - حتی اذا بلغ بین السدین - علی ان اجعل بیننا و بینهم سدا

۱- پس از آنکه کوروش براریکه سلطنت و جهاننداری تکیه زد کوروس پادشاه ایدی ( آسیای صغیر ) بروی بناخت مورخین یونانی هم عقیده اند کوروس دشمنی آغاز کرد کوروش از روی ناچاری دست بشمشیر برد تا آنکه دفاع وی به پیروزی آشکار منتهی شده و نخستین کار مهم بدینسان در غرب قرین کامیابی گردید

۲- دومین جنبش کوروش بطرف قبایل وحشی از گیدروسیا و باکتریا بود و برای خواباندن شورش این اقوام هیچ چاره بجز حرکت بدانسوی نداشت گیدروسیا سرزمین میان جنوب ایران و هند واقع است و همان ناحیه است که اکنون مکران و بلوچستان موسوم است باکتریا همان بلخ است و گمان میرود این نهضت میان سال ۵۴۰ - ۵۴۵ پیش از میلاد بوده است رسیدن کوروش ببلخ بمنزله رسیدن او بود بنهایت شرق

۳- کوروش هجوم سوم خود را بطرف کوهستانهای شمالی آغاز کرد ناحیه که از پشت کوههای آن یا جوج و ما جوج ( شاید اقوام سکاها باشند این اقوام وحشی بودند و در زمان داریوش بترک بجز غلوزاختم بودند و جنگهایی میان آنان و داریوش در گرفت و در جواب قزستانه داریوش یکممدد قورباغه و تیر کمان دادند واقعا زنان نمیفهمیدند ) میتاختند و بغارتگری میپرداختند کوروش در آنجا سدی بنا کرد و مقصود از بین سدن تنگه ایست در کوههای قفقاز ( در میان دریاهای خزر و سیاه جبال قفقاز مانند دیوار بلند است که متجاوز از ۹۰۰ کیلو متر طول آنست و ارتفاع قلل آن قزبک - البرز ۵۹۵۰ متر است در شمال غربی شهر تفلیس نزدیک قله قزبک، جبال قفقاز بواسطه معبری معروف بداریال بدو دسته غربی و شرقی تقسیم میشود و شهرهای شمالی را بشهرهای جنوبی متصل میکند ) که بمعبر داریال معروفست و دو طرف این معبر کوههای قفقاز است که در تاریخ قدیم بگوه قاف معروف بوده و فعلا بکوههای قفقاز است معروفست.

برای جلوگیری اقوام وحشی ساکن این نواحی تمام پادشاهان ایران پادگانهای

مهم در نزدك اين معبر ميگماردند حتى از ممالك مجاور بعنوان حفاظت اين معبر مبالغ هنگفتي دريافت ميداشتند.

انوشيروان ساساني در سال ۵۳۳ صلحي با ژوستينيوس امپراطور روم شرقي منعقد نمود كه ۱۱۰۰۰ ليبراي طلا نقد بدولت ايران بدهد ودولت ايران محافظت در بند قفقاز را ( معبرداريال ) عهده دار باشد

اوصاف اخلاقي ذوالقرنين قرآن (كورش بزرگ)

اما ان تعذبهم و اما ان تتخذ فيهم حسنا

خداوند ذوالقرنين را آنچنان ميدانست كه او را در عذاب و نيكوتى در برابر مردميكه زير سلطه او بودند مخير کرده بود پس بسايد مردى خوب و قاضى درست كار و دادگسر باشد. كورش يگانه پرست بود - عفيف بود مهربان و بخشاينده بود نسبت بمردم ليدى آنچنان رفتار كرد كه سرمشق شده بود و اين رفتار او با مردم ليدى چنان حس مردم يهود را برانگيخت كه آرزو داشتند چنان كس بر آنان حكومت كند و كورش را رابتنصرف درآورد و آنان را از قيد اسارت آزاد سازد و ويرانيهاى آنجا را مرمت كند . مورخان يونان كه در واقع دشمنان ايرانند از قبيل كرتفون و هرودت او را مردى بخشاينده و خردمند و از حرص بجمع مال و غارت اموال مغلوبين مبرا ميدادند كورش عفيف بود زيرا در تصاحب زن زيباى آراهيذاس سردار اسپارتى كه باسارت درآمده بود بدست سردارش مانع شد در نتيجه سردار اسپارتى تا آخرين نفس در چنك عليه كورش با كورش مساعدت كرد .

اما از اسكندر نه مجسمه كشف شد كه با اقوال بنى اسرائيل تطبيق كند و نه در كتب انبياء بنى اسرائيل ياد آورى شد كه او را ذوالقرنين ناميده باشند و نه مورخى . و تذكره نويسى كتابى از او دانسته تا چه رسد در علم النفس باشد .  
رفت و مهربانى از او نسبت بمردم مغلوب ديده نشد . به بي عفتى خاندانش معروف تا چه رسد بخودش كه هميشه مصاحب زنى بدكاره بنام تائيس ميبوده و با اشاره او كاخ سلطنتى ايران آبادان را در حال اومستى آتش زده است .  
پايان

## آگهى

چون در نظر است مجموعه اى «ده جلدى» از بهترين مدياح و مرثى نبي اكرم و ائمه هدى از گويندگان گذشته و معاصر انتشار يابد لذا :  
از آقاىان شعراء محترم مذهبي تمنا دارد بر دعاگو منت گذاشته مدياح و مرثى گزيده خود را با درس زير ارسال فرمايند تا زينت بخش آن مجموعه گرديده و بنام گوينده محترم آن ثبت گردد .

رودسر - ميدان بزرگ كتابفروشى بوعلى سينا موسى تجلى